

بررسی بی‌ثباتی سیاسی و ائتلاف‌های دولت‌سوز در مصر پسا انقلابی بر مبنای نظریه بازی‌ها

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۲/۳۰)

فائز دین‌پرستی صالح^۱

زهره رمضانی^۲

چکیده

این مقاله در پی پاسخ به سوال چرایی بی‌ثباتی در عرصه سیاسی مصر در تحولات موسوم به بهار عربی در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۱ تا کودتای ژوئن ۲۰۱۳ است. بر اساس نظریه کنش جمعی چالز تیلی، مدعای مقاله آن است که این بی‌ثباتی‌ها نتیجه ائتلاف‌های سست و شکننده‌ای است که میان گروه‌های سیاسی مصر شکل گرفته بود. فرضیه پژوهش نیز با نظریه بازی‌ها مورد داوری قرار گرفته است. چهار بازیگر اصلی عرصه سیاسی مصر اخوان المسلمین، نیروهای سلفی، نیروهای لیبرال-سکولار و ارتش بر مبنای نظریه تیلی مورد شناسایی قرار گرفتند. با استفاده از نظریه بازی‌ها، روابط میان بازیگران عرصه سیاسی مصر بر مبنای دو استراتژی ائتلاف کردن - ائتلاف نکردن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. از مجموع ۱۶ بازی حاصل از محاسبات (چهار بازیگر و هرکدام با دو استراتژی) ۱۲ بازی قابل قبول مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) (faezdinparast@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران (ramezany62@gmail.com)

نتیجه حاصل آن شد که چنانچه نیروهای نظامی و سکولار به ائتلاف با یکدیگر بپردازند، شرایط سیاسی به مرحله ثبات نزدیک می‌شود؛ که می‌توان این نتیجه را به دوره بعد از کودتا، حدفاصل سال‌های ۲۰۱۳ تا اکنون قابل اطلاق دانست. هم‌چنین یافته‌های منطبق بر نظریه بازی‌ها و نظریه تعادل نش متذکر این نکته می‌شود که ثبات مصر نیازمند تفوق سه گانه نیروهای سیاسی می‌باشد. از آنجا که که وزن ثبات حاصل از ائتلاف‌های سه گانه اخوان - نیروهای سکولار - نظامیون، نیروهای سلفی - اخوان - نظامیان و یا نیروهای سکولار - اخوان - سلفی به یک میزان بوده که این مسئله نشان از آن دارد که ثبات در عرصه سیاسی مصر بیشتر از نوع بازیگران دخیل در هر ائتلاف، وابسته به تعداد نیروهای دخیل در ائتلاف است.

کلیدواژه‌ها: ثبات سیاسی، ائتلاف سیاسی، مصر، نظریه بازی‌ها، کنش جمعی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. مقدمه

موضوع این پژوهش بررسی رفتار سیاسی گروه‌های مختلف در عرصه سیاسی مصر در پی رخداد‌های این کشور از آغاز تحولات موسوم به بهار عربی تا پایان یخشیدن به کار دولت منتخب اسلام‌گرای اخوانی در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۱ تا ژوئن ۲۰۱۳ است.

سال ۲۰۱۱ کشور مصر در پی تحولات موسوم به بهار عربی، شاهد آغاز روند جدیدی در بروز رفتار سیاسی در جامعه خود بود. انقلاب مصر با تجمعات اعتراضی گسترده جوانان در تحرکات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنتی سازمان یافته بودند کلید خورد. گروه‌های مختلفی از نیروهای اجتماعی با گرایش‌ها و سنین مختلف دعوت این جوانان را برای تظاهرات مسالمت‌آمیز پذیرفتند (عوض، ۱۳۹۰).

اما آن‌چه که باعث شد وقایع رخ داده در مصر در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۱ تا ژوئن ۲۰۱۳ پرسش‌های زیادی را در ذهن اصحاب سیاست به وجود آورد، نحوه رفتار و تعامل سیاسی مصریان در این بازه زمانی بود. در راستای آن‌چه که در کشور همسایه تونس پیش رفت، انتظار بود روندی که در جهت حرکت به سمت دموکراسی با ساقط کردن حکومت مبارک شروع شد، به همین منوال پیش رود. رویدادهای تونس باعث به وجود آمدن نوعی خودباوری و اعتماد به نفس در مصری‌ها شد که اگر تونسی‌ها موفق به کنار گذاشتن یک حکومت دیکتاتوری شده‌اند، پس ما هم می‌توانیم موفق شویم. (Bueno De Mesquita and Smith, 2011) بدین معنا که بر اساس بازی دموکراسی شاهد تقویت احزاب و گروه‌های سیاسی و مشارکت آن‌ها و شگل‌گیری پایه‌های نظام پس از انقلاب از صندوق‌های رای باشیم، اما طی این



دوران یعنی از فردای انقلاب شاهد شکل‌گیری ائتلاف‌های سست چند روزه میان گروه‌های سیاسی، آشوب و بی‌ثباتی در عرصه سیاسی مصر بودیم^۱ و هر روز گروهی طرفداران خود را به خیابان فرا می‌خواند تا ژوئن ۲۰۱۳ که نظامیان عنان‌دار حکومت شدند.

بدین ترتیب پرسش این پژوهش به قرار زیر است: چرا مصر در فردای پس از پیروزی انقلاب، شاهد بی‌ثباتی سیاسی بود که در نهایت منجر به حکومت نظامیان شد؟

۲- چارچوب نظری

۲-۱. نظریه کنش جمعی چارلز تیلی

چارلز تیلی به سبب مساعی‌اش در جهت ایجاد سازش میان ساختار و کارگزار در فرآیند انقلابی احترام پژوهشگران بسیاری را برانگیخته است. کنش جمعی که همکاری افراد با یکدیگر در تعقیب منافع مشترک تعریف می‌شود، کانون پژوهش او را تشکیل می‌دهد. کنش جمعی در نظریه تیلی محصول تعاملات رقابت‌آمیز گروه‌هایی تعریف می‌شود که برای کسب قدرت رقابت می‌کنند. این فرآیند در چارچوبی انتزاعی ترسیم می‌شود که مدل جامعه سیاسی نام دارد. او هر جمعیتی را به حکومت، اعضای جامعه سیاسی و چالش‌گران یا ائتلافی از چالش‌گران که به طرح دعاوی خود می‌پردازند تقسیم می‌کند (تیلی، ۱۳۸۸). دو مفهوم اصلی در نظریه تیلی، «الگوی جامعه سیاسی» و «الگوی بسیج» هستند که

۱. ائتلاف دموکراتیک که در برگیرنده نیروهای اسلام‌گرا و سکولار بود، ائتلاف مصریان که به‌عنوان رسانه احزاب لیبرال چپ در مقابل احزاب اسلام‌گرای ائتلاف دموکراتیک (پس از فروپاشی این ائتلاف) ایجاد شد، ائتلاف مصریان، ائتلاف دموکراتیک برای مصر، ائتلاف نیروهای اسلامی، ائتلاف انقلاب پایدار و جبهه نجات ملی تنها بخشی از این ائتلاف‌های صورت گرفته طی این یک‌سال بود.

به‌صورت دو ستون عمل می‌کنند و رابطه پیچیده‌ای میان اجزاء آن برقرار است. در این نظریه کنش جمعی - به‌عنوان نقطه کانونی بحث - همکاری افراد با یکدیگر در تعقیب منافع مشترک تعریف می‌شود. کنش جمعی محصول تعاملات رقابت‌آمیز گروه‌هایی است که برای کسب قدرت رقابت می‌کنند. این فرآیند در چارچوبی انتزاعی ترسیم می‌شود که مدل جامعه سیاسی نام دارد (سمتی، ۱۳۷۵).

مفاهیم مهم در الگوی جامعه سیاسی تیلی را عواملی هم‌چون گروه، گروه مدعی، منافع مشترک، حکومت، جامعه سیاسی، ائتلاف و رقابت تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر مفاهیم مهم در الگوی بسیج شامل منافع، تشکیلات، بسیج، عمل جمعی و فرصت که خود شامل سه عنصر است: قدرت، سرکوب - تسهیلات و فرصت - تهدید تعریف شده‌اند.

تیلی برای بسط ارتباط میان عوامل الگوی «جامعه سیاسی» و «بسیج منابع» بیان می‌کند که میزان کنش جمعی یک گروه تابعی است از ۱) منافع مشترک آن (مزیت‌ها و زیان‌هایی که ممکن است از تعامل با دیگر گروه‌ها حاصل آید؛ ۲) شدت و قوت سازمان آن (میزان هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش در میان اعضای آن و ۳) بسیج آن گروه (میزان منابعی که تحت کنترل جمعی آن قرار دارد) (تیلی، ۱۳۸۸) و با تفکیک عوامل تاثیرگذار بر کنش جمعی به دو سطح درونی و بیرونی سه عنصر دیگر موثر در کنش جمعی گروه را که عبارت‌اند از: قدرت، سرکوب / تسهیل و فرصت / تهدید؛ به این فهرست شش‌گانه اضافه می‌کند.

در الگوی بسیج این‌گونه فرض می‌شود که: اندازه و کیفیت سازمان، تعیین‌کننده اصلی توان بسیج یک گروه است، به‌طوری‌که هرچه کیفیت سازماندهی بهتر و فراگیری اجتماعی و جغرافیایی آن وسیع‌تر باشد، توان بسیج گروه بالاتر خواهد بود و هرچه سطح منابع بسیج شده یا قابل بسیج بالاتر باشد، توان گروه



در کنش جمعی بالاتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۹۱).

در نهایت تیلی با تاثیر پذیرفتن از سنت میل که به مسئله هزینه‌های کنش جمعی توجه دارد به تحلیل و سپس تقسیم‌بندی بازیگران در یک کنش جمعی می‌پردازد. بر این اساس، وی نتیجه کنش جمعی را تولید کالایی جمعی می‌داند که در فرایند تولید این کالا (که همان فایده کنش است)، گروه ناگزیر از پرداخت هزینه (صرف منابع) است (تیلی، ۱۳۸۸). بر اساس منطق انتخاب عقلانی که منطبق بر سنت میل است، عمل عقلانی آن است که با پرداخت کم‌ترین هزینه، بیشترین فایده حاصل شود، اما این فرمول ساده ریاضی در عمل با مشکلاتی مواجهه می‌شود. تیلی، دو عامل اصلی را تعیین میزان هزینه/ فایده کنش جمعی در نظر دارد: یکم، بسیج و دوم، فرصت‌ها. گروه‌های مختلف بر اساس تفاسیر، ارزش‌ها و باورهای مشترکشان، در کنش جمعی برای تولید کالای عمومی متحمل هزینه‌های متفاوتی می‌شوند. تیلی، گروه‌ها را بر اساس نحوه و میزان پرداخت هزینه‌ها به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱) پرغیرت‌ها: در مقایسه با دیگر گروه‌ها ارزش بالایی برای برخی از کالاهای جمعی از حیث (صرف کردن) منابع مورد نیاز برای به‌دست آوردن آن کالا قائلند و به‌عنوان مثال حاضرند جان و اعضاء بدن خود را در راه به‌دست آوردن حق حاکمیت از دست بدهند.

۲) خسیسان: ارزش بالایی برای منابع خود قائلند که به‌ندرت اتفاق می‌افتد که کالای جمعی قابل دسترسی آن‌ها را وادارد که منابع بسیج یافته خود را صرف کنش جمعی نمایند. از خسیسان انتظار می‌رود که در صورت اقدام، به اقدامی دفاعی دست بزنند. ۳) مدعیان عادی: که در پی دستیابی به مجموعه محدودی از کالاهای جمعی هستند، حداقل منابع را صرف دستیابی به این کالاها می‌کنند و محاسبه ترکیب کنونی بسیج و فرصت، احتمال ضرر خالص را فراهم محاسبه، خنثی و بی‌عمل می‌مانند.



۴) فرصت طلبان که صرف‌نظر از این‌که چه کالایی به‌دست می‌آورند در پی به‌حداکثر رساندن بازده خالص خود - مابه‌التفاوت ارزش منابع هزینه شده و کالای جمعی به‌دست آمده- هستند (تیلی، ۱۳۸۸).

در ادامه تیلی فرض‌هایی را برای این گروه‌های چهارگانه در نظر می‌گیرد:

۱) پرغیرتها نسبت به دیگر کنش‌گران از سطح بسیج بالاتری برخوردار است. لذا از شانس بیشتری برای کسب کالاهای جمعی مطلوب خود برخوردارند، اما در معرض مخاطره بالاتری نیز برای ضررهای سنگین هستند.

۲) فرصت‌طلبان احتمالاً با تاکتیک‌هایی مانند تشکیل ائتلاف با دیگر مدعیان قدرتمند، به‌شکل موثرتری به استفاده از فرصت‌ها می‌پردازند.

۱-۲. نظریه بازی‌ها به‌مثابه روش

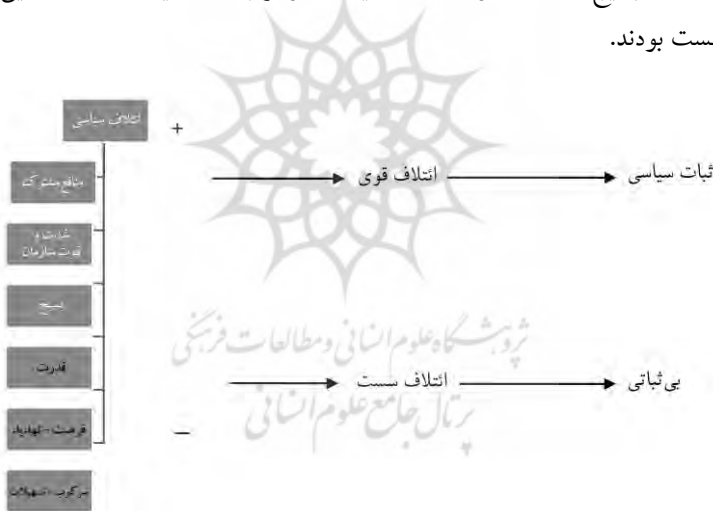
به فراخور مدل تیلی و بهره‌آن از پارامترهای گوناگون و در عین حال استراتژی داشتن یک مدل رفتاری، یعنی تلاش برای کسب قدرت، به‌نظر می‌رسد نیازمند یک ابزار تحلیلی است که با مدل‌سازی حالت‌های مختلف بتواند شرایط متنوع را بازسازی کند. لذا با توجه به قرابت نظریه تیلی و بهره‌آن از نظریه بازی‌ها بر آن شدیم تا از این نظریه به‌مثابه روش در این تحلیل در کنار نظریه تیلی استفاده کنیم.

۲-۲. فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش از چارچوب نظری استخراج شده است. از آن‌جا که هیچ گروهی به‌تنهایی قادر نیست حکومت را قبضه کند، لذا برای به‌ثمر رساندن منابعی که هزینه می‌کند یک گروه به‌ناچار وارد ائتلاف با سایر کنش‌گران می‌شود. بر اساس منطق انتخاب عقلانی که منطبق بر نظریه تیلی است، عمل عقلانی آن است که با پرداخت کم‌ترین هزینه، بیشترین فایده حاصل شود؛ لذا گروه‌های مختلف به‌منظور افزایش سود نهایی درصدد ائتلاف با یکدیگر بر



می آیند. لذا فرضیه این پژوهش را می توان این گونه بیان کرد:
آنچه که در طی روندگذار یک ساله پس از انقلاب مصر (ژانویه ۲۰۱۱) تا کودتای ژوئن ۲۰۱۳ شاهد بودیم، محصول شکل گیری ائتلاف های سست بازیگران سیاسی مصر بود. گروه های مختلف سیاسی، هر یک برای دسترسی به قدرت و افزایش سود خود به ائتلاف با سایر گروه ها اقدام می ورزیدند اما از آنجا که تمام این ائتلاف ها موقت و کوتاه مدت بود، در نهایت به نتایج با ثباتی نیز ختم نمی شد. به عبارت بهتر می توان گفت: شرایط بی ثبات عرصه سیاسی مصر در فردای انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ تا کودتای ۲۰۱۳، محصول ائتلاف های بازیگران سیاسی مصر بود که با توجه به ۶ عامل منافع مشترک، شدت و قوت سازمان، بسیج، قدرت، فرصت - تهدید و سرکوب - تسهیلات، ائتلاف هایی سست بودند.



۳- تعریف مفاهیم

۳-۱. مفهوم ائتلاف های سیاسی

ائتلاف توافقی میان دو یا چند طرف برای حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد



منافع متقابل است. ائتلاف‌ها دارای اشکال مختلفی هم‌چون دو جانبه و چند جانبه، سری و علنی، ساده یا دارای سازمان پیچیده و کوتاه مدت یا درازمدت می‌باشند که در دو سطح سیاست داخلی و بین‌المللی نیز رایج است. ائتلاف سیاسی، شیوهٔ مروج هم‌گرایی نهادهای سیاسی برای رسیدن به یک هدف مشترک است. هدف اصلی ائتلاف‌های سیاسی را، هم‌گرایی هدف‌مند فکری برای رسیدن به قدرت سیاسی شکل می‌دهد. مؤلفهٔ نخست را منافع مشترک، مؤلفهٔ دوم اعتمادسازی و ایجاد تعهد بر هم‌دیگر و مؤلفهٔ سوم ایجاد مکانیسم و ساختار ارگانیک تشکیلاتی است (ستیز، ۱۳۹۲).

اکسلورد^۱ یکی از اولین تلاش‌های تئوریک در حوزه هدف‌های سیاسی در ائتلاف را پایه‌گذاری کرد. او می‌گوید که ائتلاف‌هایی شکل خواهند گرفت که به‌طور ایدئولوژیک با هم در ارتباط هستند و احزاب بر حسب اهمیت‌شان در یک ائتلاف در کنار هم قرار می‌گیرند. در کل اما آن‌چه که مشهود است آن است که بیشتر تئوری‌های مربوط به ائتلاف‌ها، دچار کور-سیاستی‌اند. یعنی فرض‌شان بر این است که احزاب، منحصرًا توسط هدف دستیابی به قدرت و احراز آن تحت تاثیر و تهییج قرار می‌گیرند (Giannetti & Beoit, 2009).

ویلیام ریکر نیز در کتاب خود تئوری ائتلاف‌های سیاسی، با استفاده از نظریه بازی‌ها به مسئله ائتلاف‌های سیاسی از جنبه کوچک و بزرگ بودن آن‌ها پرداخته است. او بر این عقیده است که سیاستمداران برای کسب آراء بیشتر به ائتلاف‌های کوچک روی می‌آورند. او در حالی عنوان می‌کند که برای جذب آراء بیشتر نیازمند منابع و سیاستمدارانی هستیم که شانس بیشتری برای پیروزی دارند که اکثر سیاستمداران به‌دنبال ائتلاف‌های بزرگ‌تر برای کسب قدرت‌اند در صورتی که لزوماً ممکن است



1. axegord.
2. Policy-blind.

پیروزی به اندازه بزرگی ائتلاف نباشد (H. riker, 1962).

۳-۲. گروه‌های سیاسی فعال یا حزب

فرهنگ وبستر که یکی از فرهنگ‌های معتبر لغات زبان انگلیسی است در برابر واژه حزب^۱ حدوداً یازده معنی و تعریف ارائه می‌دهد که اولین تعریف آن همان گروه‌های سیاسی^۲ است. گروهی از مردم که به‌منظور تعیین و تثبیت یا پیشبرد و تقویت عقاید و نظرات مخصوص و منحصر به‌فرد خود یا [تاثیرگذاری بر] قوانین و امور و تصمیمات دولتی [و حکومتی] گردهم می‌آیند و تشکیل می‌یابند و این نظرات و تصمیمات مورد تصدیق همه اعضای گروه است و از آن جانبداری می‌کنند؛ به‌ویژه یک گروه سیاسی سازمان یافته شده که در صدد آن است تا نامزدهای خود را در مقام و مسند قدرت [دولت / حکومت] برگزیند تا بدین‌سان سیاست‌های دولتی را هدایت و رهبری نماید. (رسا، ۱۳۹۲). موریس دوورژه، در کتاب «احزاب سیاسی» می‌گوید: در جماعات بزرگ استانی و خاصه در کشورهای نوین، پیکار سیاسی میان سازمان‌های کم و بیش تخصصی که نوعی ارتش سیاسی به‌شمار می‌آیند جریان می‌یابد. او اهداف احزاب و گروه‌های سیاسی را این‌گونه بیان می‌کند: هدف مستقیم احزاب به چنگ آوردن قدرت یا شرکت در اعمال آن است. احزاب در پی آنند که در انتخابات کرسی‌هایی به چنگ آورند، نمایندگان و وزاری داشته باشند و سر رشته حکومت را به‌دست گیرند.

۴- روش پژوهش

در مقام جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، به‌سبب آنکه نمونه مورد پژوهش بررسی

1. Party.

2. Political Party.



یک رفتار سیاسی در بستری از زمان و مکان خاص جغرافیایی است، روش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. در مقام تحلیل داده‌ها نیز از نظریه‌ی بازی‌ها استفاده شده است.

نظریه بازی‌ها یک نظریه عمومی است که هدف آن، پرداختن به مجموعه وسیعی از موقعیت‌ها و مسائل، برحسب الگوهای مکرر رفتار، جنبه‌های مشترک پدیده‌ها، و انواع کنش‌ها و عوامل است (اشنایدر، ۱۳۷۸). این نظریه با به‌نظم کشیدن یک رشته کنش‌های اجتماعی و مجموعه متنوعی از رفتارهای انسان است که به کاربردهای تحلیلی و کاربرد برای مشکل‌گشایی در موقعیت‌های تعارض آمیزی می‌انجامد. نظریه بازی‌ها دو هدف دارد: صورت‌بندی ریاضی اصول کاملی که مشخص می‌کنند رفتار عقلانی در برخی از انواع موقعیت‌های اجتماعی چیست و تفکیک ویژگی‌های کلی چنین رفتاری بر اساس اصول آن. بنابراین، نظریه بازی‌ها، شیوه تحلیل و شیوه انتخاب بهترین خط مشی‌هاست (اشنایدر، ۱۳۷۸).

در نظریه بازی‌ها ۵ عنصر اصلی وجود دارد:

۱) استراتژی: در نظریه بازی‌ها استراتژی به معنی یک نقشه کامل است. استراتژی اشاره به مجموعه حرکات دارد که پیشاپیش در موردشان تصمیم‌گیری شده و بازی را به شکلی تکمیل می‌کند که قطع نظر از اقدام حریف، دست کم یک نتیجه کمینه، تضمین می‌شود. استراتژی هر فرد، رفتار بالقوه رقبا و وی را مدنظر قرار می‌دهد و توقعات رقبا را در رابطه با رفتار خود آن فرد بی‌تاثیر می‌سازد. در نظریه بازی‌ها فرض بر آن است که در داخل مرزهای موقعیت‌های مشخص، معمولاً دامنه استراتژی‌های هر بازیکن نامحدود نیست و استراتژی‌های هر بازیکن برای بازیکنان دیگر شناخته شده است (اشنایدر، ۱۳۷۸).

۲) پرداخت: که ارزش بازی برای هر بازیکن در محل تلاقی یک جفت از



استراتژی‌های آن‌هاست. ارزشی که وقتی هر بازیکن استراتژی بهینه خود را به اجرا بگذارد حاصل می‌شود. در یک کلام، پرداخت عبارت است از ارزش بازی در پایان بازی بر حسب (۱) احتمالات برآورده شده، (۲) بردها و باخت‌ها، (۳) پیشرفت مثبت یا منفی به سمت اهداف اعلام شده در یک بازی دونفره، (۴) قواعد بازی برای هر جفت استراتژی، ارزشش را معین می‌سازد (اشنایدر، ۱۳۷۸).

(۳) قواعد: در بازی‌ها قواعد شناخته شده‌ای وجود دارد که بر بازی حاکم است. این‌ها همان دستورالعمل‌هایی است که اقدامات مجاز و غیرمجاز را به‌طور آشکار مشخص می‌سازد. به عبارت دیگر، قواعد همان شرایط محدودیت آفرینی است که بازی تحت شرایط آن اجرا می‌شود. ارزش‌های ماتریس پرداخت و استراتژی‌های موجود را قواعد بازی معین می‌کند (اشنایدر، ۱۳۷۸).

(۴) اطلاعات: یکی دیگر از عناصر بنیادی نظریه بازی‌هاست. بنا به فرض، هر بازی دارای یک ساختار اطلاعاتی است. وضعیت اطلاعات عملاً در قواعد بازی ملحوظ است ولی تاکید خاص و جداگانه بر آن اهمیت دارد. مفهوم اطلاعات اشاره به اهمیت چشمگیر مسئله زمان‌بندی حرکت‌ها دارد.

(۵) ائتلافات: در بازی‌های چند نفره بسیار با اهمیت‌اند. ممکن است دو یا چند بازیکن با عمل کردن به‌عنوان یک واحد، امتیاز بیشتری به‌دست آورند. اعضای یک ائتلاف در پرداختی که به آن ائتلاف صورت می‌گیرد شریکند ولی البته سهم آن‌ها ممکن است برابر یا نابرابر باشد. شکل‌گیری ائتلافات، حاصل چانه‌زنی رقابت‌آمیز است.

پارامترهای مورد نیاز در هر بازی عبارتند از:

(۱) بازیگرانی است که در بازی شرکت می‌کنند که می‌تواند به‌هر تعداد باشد:

$1, 2, \dots, n$



۲) استراتژی تعیین شده از سوی بازیگران که با عنوان عمل^۱ در نظریه بازی‌ها از آن یاد می‌شود و اصطلاحاً به آن مجموعه عمل^۲ گفته می‌شود. که اگر این عامل را به اختصار q بنامیم برابر می‌شود با تعداد بازی‌های انجام شده.^۳

به‌عنوان مثال اگر^۲ بازیگر داشته باشیم که هر کدام سه استراتژی را می‌توانند برگزینند، مجموع بازی‌های قابل تصور ۹ می‌باشد.

۳) نظام ترجیحات که می‌توان آن را مجموعه عوامل و یا فرض‌هایی دانست که بر مبنای آن‌ها بازیگران و بازی انجام شده توسط آنان ارزش‌گذاری شده و امتیازبندی می‌شود.

۴-۱. نظریه تعادلی نش در نظریه بازی‌ها

نظریه تعادلی نش بر این اعتقاد است که در میان بازی‌هایی که صورت می‌پذیرد، بازی‌هایی وجود دارند که در صورت داشتن شرایطی، احتمال رسیدن به ثبات و تعادل در آن‌ها، نسبت به سایر بازی‌ها بیشتر باشد. نش شرایط این بازی را این‌گونه بیان می‌کند: اگر در یک مجموعه بازی‌هایی که بازیکنان مختلف با یکدیگر انجام می‌دهند، یکی از بازیکنان به‌رغم تغییر استراتژی خود (با فرض ثابت بودن بازی سایر بازیگران) سود بیشتری به‌دست نیاورد، آن نقطه، نقطه تعادلی نش محسوب می‌شود.

۵- دوره پژوهش

در این پژوهش بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۱ - ژوئن ۲۰۱۳ یعنی در فاصله زمانی پیروزی انقلاب تا ساقط کردن حکومت مرسى توسط نظامیان در نظر گرفته

-
1. action.
 2. Action Profile.
 3. action profiles= q .

شده است.

۶- تحلیل تجربی

تحلیل تجربی پژوهش در دو سطح انجام پذیرفته است: تحلیل توصیفی و تحلیل تبیینی. در تحلیل توصیفی هر یک از مفاهیم اصلی فرضیه توصیف شده‌اند و در بخش تحلیل تبیینی، فرضیه پژوهش با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها مورد داوری قرار گرفته است. بدین‌صورت که با توجه به آنچه که تیلی در نظریه‌اش عنوان داشته، بازیگران سهم در بازی کسب قدرت سیاسی (بر مبنای نظریه تیلی) دسته‌بندی شده و سپس با استفاده از ابزار تحلیلی‌ای که نظریه بازی‌ها به دست می‌دهد به واکاوی داده‌های مورد نظر و تحلیل و پردازش آن‌ها پرداخته می‌شود.

۶-۱. تحلیل توصیفی

۶-۱-۱. گروه‌های سیاسی فعال

۶-۱-۱-۱. خوان المسلمین

اخوان از بدو تاسیس در سال ۱۹۲۸ تا کنون، از مهم‌ترین و فعال‌ترین نیروهای اجتماعی و سیاسی مصر و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه بوده است. این جنبش با کوله‌باری از ۸۰ سال تجربه سیاسی و مبارزه مستمر و خستگی‌ناپذیر با نظام‌های سیاسی مختلف در مصر، نفوذ گسترده‌ای را در لایه‌های مختلف جامعه مذهبی شهری و روستایی مصر پایه‌ریزی کرد و بر این مبنای توانست در تحولات ۲۰۱۱ نقش موثری ایفا کند. اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا پایه‌گذاری شد. اخوان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین سازمان و جنبش اسلامی در جهان را در مصر پایه‌گذاری کرد. در طول دهه ۱۹۴۰ این گروه به فعالیت‌های خشونت‌آمیز زیرزمینی روی آورد و در سال ۱۹۴۸ همراه با افزایش قدرت سیاسی



و خشونت رفتاری در ۱۹۴۸ توسط ارتش منحل شد. (El Fegriery, 2016)

ساختار سازمانی اخوان المسلمین یک ساختار قدرتمند و پیچیده است. آن‌طور که حاصل به‌عمل آمده است، اخوان المسلمین نسبت به سایر جنبش‌های اسلامی در دهه‌های اخیر از مشهورترین‌ها بوده است و قادر بوده است تا جنبش خود را در حوزه سوشال نت ورک گسترش دهد و یکی از مهم‌ترین فعالان در این حوزه باقی بماند به‌خصوص در دوران حسنی مبارک. ثابت قدم بودن و پافشاری اخوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های دوران مبارک بود. (Al-Anani, 2016) اخوان با تاسیس حزب آزادی و عدالت و ثبت رسمی آن، عملاً فعالیت رسمی خود را آغاز کرد و در انتخابات ریاست جمهوری مصر، این پست حائز اهمیت را در اختیار گرفت (محمودیان، ۱۳۹۰). نقش و جایگاه این گروه در دوره بعد از مبارک بسیار برجسته شد و اخوان المسلمین توانست به‌عنوان اصلی‌ترین گروه مخالف در میان نیروهای انقلابی در رون تحولات مطرح شود. اخوانی‌ها ابتدا اعلام کردند که تنها ۳۰ درصد کرسی‌های پارلمان را تصاحب خواهند کرد و برنامه‌ای برای معرفی نامزد ریاست جمهوری ندارند (Brackman, 2011) اما در انتها ۴۶ درصد کرسی‌ها را به‌دست آورد و هم‌چنین محمد مرسی نامزد این گروه پیروز انتخابات ریاست جمهوری شد.

۲-۱-۱-۶. سلفی‌ها

سلفی‌ها یکی دیگر از گروه‌های مهم در بحران مصر به‌شمار می‌رود. نقش این گروه در تحولات سیاسی و اجتماعی مصر پس از مبارک به‌تدریج در حال افزایش بوده است. هرچند در گذشته سلفی‌ها از مشارکت در فعالیت‌های سیاسی خودداری می‌کردند و زمانی مشارکت سیاسی را به‌لحاظ مذهبی حرام می‌دانستند (شوشتری زاده، ۱۳۹۱). اما پس از انقلاب به تاسیس حزب و حضور فعال در عرصه سیاسی روی آوردند تا آنجا که این جریان در انتخابات پارلمانی پس از انقلاب ۲۴ درصد آرا را از آن خود کرد و ائتلاف سلفی‌ها



موفق شد ۱۲۱ کرسی را در مجلس مردمی مصر کسب کند (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

۳-۱-۶. نیروهای سکولار - لیبرال

بخش دیگری از بازیگران بحران مصر را احزاب و گروه‌های سکولار و لیبرال تشکیل می‌دهند که در این راستا می‌توان به احزاب الغد و الوفد اشاره کرد. گروه‌های سکولار و لیبرال بعد از این که در کنار گذاشتن رژیم مبارک و آغاز روند جدید سیاسی مشارکت اساسی و فعالانه‌ای داشتند، تلاش کردند در ساختار قدرت نیز جایگاه مناسبی به خود اختصاص دهند. با این حال، این احزاب و گروه‌ها در انتخابات پارلمانی، ریاست جمهوری و سپس همه پرسی قانون اساسی نتوانستند به موفقیت قابل توجهی دست یابند. احزاب لیبرال و سکولار در انتخابات ریاست جمهوری در مرحله دوم بین دو گزینه مرسی به‌عنوان نماینده اسلام‌گرایان و شفیق به‌عنوان نماینده رژیم سابق قرار گرفتند که هیچ کدام برای آن‌ها مطلوب نبود.

۴-۱-۶. نظامیان (ارتش)

شورای عالی نظامی به‌عنوان رکن اصلی ارتش بعد از کنار رفتن مبارک نقش کانونی در مدیریت بحران مصر یافت. ارتش مصر در جریان بحران سعی کرد تا به‌گونه‌ای متفاوت از ارتش‌های وابسته به رژیم سیاسی عمل کند و تنها نیرویی در خدمت نظام سابق نباشد. تا قبل از استعفای مبارک، ارتش مصر از رویارویی مستقیم و فراگیر با معترضان اجتناب می‌کرد و به سرکوب گسترده مردم دست نزد، بلکه سعی کرد تا از اماکن و مراکز قدرت محافظت نموده و از افزایش چالش‌ها و درگیری‌ها ممانعت نماید (واعظی، ۱۳۹۱).

نقشی که نیروهای مسلح در طول اعتراضات بازی می‌کرد، از سوی تمامی اشکال رسانه‌ای مصر، مورد ستایش قرار می‌گرفت. برای مثال روزنامه الجمهوریه ارتش را به دلیل حفاظت از امنیت مصر ستود. به اعتقاد الشرق



الاوسط الجديد (۲۰۱۱) نیروهای مسلح همواره سپری بوده‌اند که مردم مصر را مقابل تمام خطرهای حفاظت کرده است. از دیدگاه روزنامه الوفد تمام مصری‌ها قدردان تشکیلات نظامی‌شان هستند و به آن احترام می‌گذارند؛ زیرا همواره از آنان در مقابل جنگ و صلح محافظت می‌کند (al-wafd, 2011).

این ارتش که از لحاظ بزرگی مقام دهم را در میان ارتش‌های جهان داراست قبل از بحران از ایفای نقش مستقیم در امور سیاسی برکنار بود، اما در جریان بحران ارتش در مرکز صحنه سیاسی قرار گرفت و به‌عنوان یک نهاد مسلط در جامعه مامور برقراری ثبات و امنیت و مدیریت بحران شد. در دوره پس از مبارک، شورای عالی نظامی به ریاست ژنرال طنطاوی مدیریت تحولات و امور کشور را به‌عهده گرفت و به‌رغم تمایل فراوانی که در ابتدا از خود نشان می‌داد، برای ریاست جمهوری نامزد نشد. پس از قدرت‌گیری اخوان المسلمین و به‌ویژه پس از کنار گذاشتن رهبران ارتش در اوت ۲۰۱۲، نگرانی‌های ارتش از اقدامات حکومت اخوانی افزایش یافت که در نهایت به کودتا علیه حکومت محمد مرسی ختم شد (احمدیان، ۱۳۹۲).

۲-۱-۶. ائتلاف‌های سیاسی در جریان انقلاب

تظاهرات مصر از روز ۲۵ ژانویه، یعنی ۱۱ روز پس از پیروزی انقلاب یاس، به دعوت مجموعه جوانان ۶ آوریل بر روی فیسبوک و تحت عنوان «روز خشم» آغاز شد. از روز ۲۸ ژانویه که به «جمعه خشم» معروف شد و برای اولین بار با مشارکت رسمی اخوان المسلمین و محمد البرادعی، چالش‌گر سیاسی بزرگ مبارک انجام شد. در سه روز نخست اعتراضات، جوانان ۶ آوریل میدان‌دار و سازمان‌دهنده اصلی تظاهرات بودند. اما از روز جمعه و با بازگشت البرادعی (رهبر انجمن ملی برای تغییر) و نیز اعلام مشارکت اخوان المسلمین در تظاهرات، دو جریان دیگر نیز در کنار جوانان ۶ آوریل، نقش سازمان‌دهنده این اعتراضات را داشتند (احمدیان، ۱۳۹۰) و در نهایت در روز ۱۱ فوریه



۲۰۱۱ با استعفای حسنی مبارک، حرکت مردم در خیابان‌های مصر برای سرنگونی نظام حسنی مبارک به سرانجام رسید. در طی این دوران عرصه سیاسی مصر شاهد ائتلاف‌های متعددی بود که نشان از آن داشت مرسی در کنترل شرایط بحرانی و تعامل با سایر گروه‌های سیاسی با چالش‌هایی مواجه بود. از یکسو در نوع تعاملات و روابط مرسی و ارتش، که شاهد نوعی تناقض و دوگانگی جدی بودیم و از سوی دیگر روابط پرتنش نیروهای اسلام‌گرا با گروه‌های لیبرال - سکولار.

الف: چالش دولت - ارتش

بعد از انتخابات پارلمانی، انتخابات ریاست جمهوری مرحله مهمی در روند سیاسی جدید دوره پس از مبارک محسوب می‌شد که در واقع جانشین مبارک را تعیین می‌کرد. مصر در این دوران شاهد هم‌آوردی نیروهای سیاسی‌اش بود. در ابتدای امر شاهد آنیم که شورای نظامی با توجه به اهمیت و تاثیرگذاری این انتخابات ناچار بود توان و توجه بیشتری برای مدیریت آن اختصاص دهد و مایل بود با مدیریت مناسب مانع پیروزی جریان‌های رقیب، به‌ویژه پیروزی نیروهای انقلابی مانند اسلام‌گرایان شود و پیروز این عرصه فردی نزدیک به ارتش و عناصر رژیم سابق باشد؛ از سوی دیگر پس از پیروزی مرسی در انتخابات شاهد وجه دیگری از این تضاد و اختلاف میان دولت اسلام‌گرای منتخب و نیروهای نظامی هستیم. مرسی از یک‌طرف مجبور بود در عرصه سیاسی، قدرت و مداخله نظامیان را بسیار محدود نماید، اما در عرصه کلان‌کشورداری و به‌خصوص مسائل سیاست خارجی و منطقه‌ای مصر به ارتشی قدرتمند نیازمند بود تا این کشور بتواند در سطح منطقه‌ای جایگاه مناسبی کسب نموده و با تهدیدات احتمالی مقابله کند. اخوانی‌ها در مقاطعی با شورای نظامی به‌رویارویی پرداختند و در مقاطعی با آن به‌توافق رسیدند (واعظی،



(۱۳۹۱). بر این اساس، چالش پیش روی مرسی آن بود که چگونه هم ارتش را در عرصه سیاسی محدود و به‌جایگاه واقعی آن یعنی کارویژه‌های نظامی و امنیتی هدایت کند و هم قدرت و توانمندی نظامی را حفظ نماید.

ب: چالش دولت - نیروهای لیبرال / سکولار

اما در این مرحله، گروه‌ها و نیروهای انقلابی اعم از اسلام‌گرا و لیبرال-سکولار نیز دوره مهمی از منازعه با یکدیگر را پشت سر گذاشتند که با تثبیت تدریجی قدرت جریان اسلام‌گرا نوعی رقابت سیاسی جدی بین جریان اسلام‌گرا و سکولار - لیبرال آغاز شد. با برگزاری انتخابات پارلمانی در مصر، جریان‌های اسلام‌گرا با پیروزی توانستند اکثر کرسی‌های پارلمانی را به‌خود اختصاص دهند و نیرویی تعیین‌کننده در پارلمان باشند. در این زمان به‌رغم مخالفت جریان‌های سکولار - لیبرال با قانون اساسی جدید و به‌خصوص تأکید آن بر اصول شریعت به‌عنوان چارچوب قانون‌گذاری، قانون اساسی مورد نظر اسلام‌گرایان در همه‌پرسی با موافقت حدود ۶۴ درصد رای‌دهندگان مواجه شد (واعظی، ۱۳۹۱). گروه‌های ملی‌گرا و سکولار مصر، که انتقادات متعددی را متوجه عملکرد اخوان المسلمین ساخته و آن‌را به‌تلاش برای انحصار قدرت یا حاکم ساختن هنجارها و قوانین اسلامی در این کشور متهم می‌کردند به‌تشکیل جبهه نجات ملی در زمان همه‌پرسی قانون اساسی و مخالفت با قانون اساسی پرداختند. تدوین قانون اساسی بر اساس شریعت و به‌همه‌پرسی گذاشتن آن باعث اعتراض مسیحیان و گروه‌های سکولار این کشور و دو هفته اعتراض، خشونت و نضج‌گیری مخالفت با وی شد.

ج: چالش دولت - نیروهای سلفی

از سوی دیگر همراهی با گروه‌های تندرو سلفی و تشدید تنش‌های بین گروه‌های سکولار و مذهبی نیز برای اخوان در‌دسرساز شد. در واقع نزدیکی و



هم‌پیمانی اخوانی‌ها با سلفی‌ها باعث نگرانی و ترس گروه‌هایی از مردم و به‌خصوص احزاب سکولار شد و شکاف اسلام‌گرایی و سکولاریسم در مصر را به‌شدت افزایش داد. احزاب سلفی در روزهای نخست پیروزی ابتدا همراه با اخوان المسلمین، الوفد، الوسط و چند حزب لیبرال و چپ میانه به‌ائتلاف فراگیر دموکراتیک پیوستند. این گروه‌ها امیدوار بودند که فهرست‌های پارلمانی مشترک و نامزدهای همدل به شکل‌گیری اکثریت پارلمانی برای احزاب مخالف حزب حاکم دموکراتیک ملی منجر شود، اما در ادامه بیشتر احزاب لیبرال از ائتلاف جدا شدند و ائتلاف دموکراتیک فروپاشید. در ماه اکتبر نیز همه احزاب اسلامی جز حزب آزادی و عدالت اخوان المسلمین از ائتلاف خارج شدند و در نهایت سه حزب التور، اصاله و جماعه الاسلامیه اعلام کردند یک ائتلاف رسمی سلفی (تحت عنوان ائتلاف اسلام‌گرا) تشکیل می‌دهند و توافق کردند یک فهرست واحد پارلمانی داشته باشند (شوشتری زاده، ۱۳۹۱).

د: ائتلاف‌های متعدد

در طی این دوران ائتلاف‌های متعددی نیز از آغاز پیروزی انقلاب میان گروه‌های مختلف شکل گرفت که به‌همان سرعت تشکیل شدن‌شان، از هم پاشیدند:

- ائتلاف دموکراتیک: ائتلاف دموکراتیک اولین نیروی سیاسی در مصر پس از وقوع انقلاب است. این ائتلاف که در برگیرنده احزاب اسلام‌گرا و سکولار بود از زمان شکل‌گیری‌اش در ماه ژوئن دچار تجزیه فراوان شد و از ۳۴ عضو مؤسس آن، ۲۳ عضو این ائتلاف را ترک کرده‌اند. اسلام‌گراها از یکسو و لیبرال‌ها و چپ‌ها نیز از طرف دیگر، این حزب را رها کرده‌اند.
- ائتلاف مصریان: این ائتلاف که در ماه آگوست به‌وجود آمد، به‌رسانه‌ای برای احزاب چپ‌گرا و لیبرال تبدیل شد تا در مقابل رقیب اصلی‌شان یعنی حزب



اسلام‌گرای ائتلاف دموکراتیک قرار بگیرند. اعضای اصلی این ائتلاف، ۲ حزب مصریان آزاد و دموکرات‌های اجتماعی بودند. هم‌چون دیگر ائتلاف‌ها، این ائتلاف نیز در ابتدای شکل‌گیری‌اش بسیار گسترده بود اما با گذشت زمان به تدریج از اعضای آن کاسته شد. حزب آزادی مصر، جبهه دموکراتیک و حزب آزادی صوفیان مصری از جمله احزابی بودند که از این ائتلاف جدا شدند.

- جبهه نجات ملی: در دوره محمد مرسی شماری از گروه‌های مصری، ائتلافی موسوم به جبهه نجات ملی را در نوامبر ۲۰۱۲ با هدف مقابله با اقدامات اخوان المسلمین برای به انحصار درآوردن قدرت تشکیل داده بودند که از جمله سران آن حمدین صباحی، محمد ابو الغار، عمرو موسی، محمد البرادعی، کریمه حفناوی، و حسین عبدالغنی را می‌توان نام برد.
- ائتلاف دموکراتیک برای مصر^۱: این ائتلاف متشکل از گرایش‌های سیاسی متنوع به‌رهبری اخوان المسلمین است و احزاب عدالت و آزادی، آینده انقلاب، سوسیال‌ها^۲، نسل دموکراتیک^۳، الکرامه، الاصلاح و النهضه، الحضاره، لیبرال‌ها^۴ و ناصری‌ها در زمره این ائتلاف قرار دارند.
- ائتلاف نیروهای اسلامی: احزاب و گروه‌ها و جنبش‌های مخالفی مثل احزاب سلفی النور، الاصلاح و البناء و الترمیه در چارچوب این ائتلاف قرار دارند.
- ائتلاف انقلاب پایدار^۵: این ائتلاف متشکل از احزاب، گروه‌ها و جنبش‌های مخالف است و حزب التحالف الشعبی الاشتراکی، مصر العربی الاشتراکی،

۱. التحالف الديمقراطی من اجل مصر.

۲. العمل الاشتراکی.

۳. الجيل الديمقراطی.

۴. الاحرار.

۵. التحالف الثوره مستمره.



المساوات و التنمية، التيار المصري، ائتلاف شباب الثورة، الحزب المصري الاشتراكي و حزب الوعي المصري جز این ائتلاف به‌شمار می‌روند.

- ائتلاف گروه‌های مصری^۱: این ائتلاف متشکل از مصریین الاحرار، المصري الديمقراطي الاجتماعي و التجمع است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰).

این روند پس از ژوئن ۲۰۱۳ نیز هم‌چنان ادامه پیدا کرد. به‌عنوان مثال بیش از ۴۰ حزب و گروه سیاسی مصر با هدف کمک به «نقشه راه» برای آینده سیاسی این کشور ائتلاف بزرگی را به‌نام «ائتلاف جبهه ملی» در پاسخ به تشکیل «ائتلاف ملی حمایت از مشروعیت» که توسط اخوان المسلمین و سایر حامیان محمد مرسی پس از برکناری وی ایجاد شده بود، تشکیل دادند.

و در نهایت آن شد که در حالی که فقط یک سال از دوران حکومت محمد مرسی سپری شده بود، بار دیگر مردم مصر به‌خیابان‌ها ریختند تا اعتراض خود را به‌نحوه کشورداری و حکمرانی مرسی نشان دهند. سرانجام این اعتراضات به‌سرنگونی دولت مرسی طی اقدامی (که به‌زعم برخی کارشناسان یک کودتای نظامی بود) از سوی نیروهای مسلح مصر، منجر شد (El-bedary, 2011).

جنبش‌ت‌مرد در آستانه نخستین سالگرد ریاست جمهوری محمد مرسی، از مردم خواست که در خیابان‌ها دست به اعتراض بزنند و ارتش برخوردار از حمایت نیروهای چپ‌گرا و لیبرال مخالف دولت، رهبران مذهبی از جمله شیخ الازهر، بلند پایه‌ترین مقام مذهبی در مصر و رهبر مسیحیان قبطی در حمایت از معترضان وارد عمل شد و به‌ضرب الاجل برای کناره‌گیری محمد مرسی رسمیت بخشید و به‌ریاست جمهوری محمد مرسی خاتمه داد.

۱. الکتله المصریه.



۲-۶. تحلیل تبیینی

در نظریه تیلی بازیگران بر مبنای هزینه‌ای که در طی یک بازی پرداخت می‌کنند به چهار دسته بازیگر پر غیرت، خسیس، مدعی عادی و فرصت‌طلب تقسیم می‌شوند.

(۱) بازیگر پر غیرت: سازمان اخوان المسلمین با سابقه‌ترین و کهن‌ترین جنبش مردمی - اسلامی مصر با سابقه ۸۲ ساله در کار سیاسی - مذهبی است. این جنبش توانست با بهره‌گیری از بسیج منابع، امکانات تشکیلاتی وسیع و ایجاد شبکه‌های اجتماعی - مذهبی متنوع در دو سطح کلان و خرد شهر و روستا نقش موثر و مثبتی در به‌ثمر رساندن انقلاب مصر ایفا نماید (محمودیان، ۱۳۹۰).

(۲) بازیگر خسیس: شاید بتوان سلفیون را در دسته دوم منطبق با نظریه تیلی جای داد. این گروه تا قبل از انقلاب حضور در انتخابات را حرام می‌دانستند و فعالیت سیاسی آن‌ها همراه با شروع انقلاب بود.

(۳) مدعیان عادی: به نظر می‌رسد به‌فراخور تعریف تیلی از این گروه و آنچه که در توصیف عملکرد نیروهای لیبرال - سکولار گفته شد، این گروه در این دسته قابل ارزیابی باشد (تیلی، ۱۳۸۸).

(۴) فرصت‌طلبان: گروهی که همواره در پی به حداکثر رساندن بازده خالص خود هستند (تیلی، ۱۳۸۸). در این میان ارتش مصر تلاش کرد تا با عقلانیت مدرن موجود در خود، سرنوشت خود را از مبارک جدا کرده و به سقوط وی رضایت دهد تا یک شورای نظامی بتواند میراث عبدالناصر، یعنی در دست داشتن قدرت برای ارتش مصر را حفظ کند (عمویی، ۱۳۹۱).

۲-۶-۱. تحلیل داده‌ها بر مبنای نظریه چارلز تیلی

الگوی جامعه سیاسی تیلی نشان می‌دهد که همه گروه‌ها برای دسترسی به حکومت در جدال قدرت با هم قرار دارند. برای این کار گروه‌ها منابع ممکن را



بسپج و آن‌ها را هزینه می‌کنند. از آن‌جا که هیچ گروهی به‌تنهایی قادر نیست حکومت را قبضه کند برای به‌ثمر رساندن منابعی که هزینه می‌کند یک گروه به‌ناچار وارد ائتلاف با سایر کنش‌گران می‌شود. بر اساس منطق انتخاب عقلانی که منطبق بر نظریه تیلی است، عمل عقلانی آن است که با پرداخت کم‌ترین هزینه، بیشترین فایده حاصل شود؛ لذا گروه‌های مختلف به‌منظور افزایش سود نهایی درصدد ائتلاف با یکدیگر بر می‌آیند؛ اما ائتلافی که خود تاثیر پذیرفته از ۶ عامل منافع مشترک، شدت و قوت سازمان، بسپج، قدرت، فرصت - تهدید و سرکوب تسهیلات است.

اما هر یک از این بازیگران به‌صورت ابتدایی از توان بالقوه و اولیه‌ای برخوردار هستند که در انجام بازی (انجام ائتلاف برای کسب قدرت) به‌عنوان فاکتور اولیه در انجام بازی‌ها نقش موثری دارد. بررسی و برآورد توان بالقوه هر یک از این بازیگران به‌کمک پیش فرض‌های نظریه تیلی انجام می‌پذیرد؛ پیش فرض‌هایی که به‌عنوان «نظام ترجیحات»^۱ در نظریه بازی‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تیلی در نظریه خود هر کنش جمعی را تابع عواملی بیان کرد که در دو سطح قابل دسته‌بندی هستند. سطح اول که به ارزیابی توان بازیگران در تعامل با یکدیگر یا در مقایسه با خود قابل بررسی‌اند که شامل منافع مشترک (در تعامل با سایر گروه‌ها) و عوامل بسپج، شدت و قوت سازمانی هر بازیگر (که ارزیابی درونی هر بازیگر است) است؛ سطح دوم در پی سه عامل قدرت، فرصت و تهدید - سرکوب به برآورد توان هر بازیگر در یک کنش جمعی در مقابل حکومت می‌پردازد. در این مقاله به این دلیل که بازه زمانی مورد نظر

۱. مجموعه عوامل و یا فرض‌هایی که بر مبنای آنها بازیگران و بازی انجام شده توسط آنان ارزش‌گذاری شده و امتیازبندی می‌شود.



ژانویه ۲۰۱۱ تا ژوئن ۲۰۱۳، یعنی دوران پس از مبارک و دوران گذار انقلاب را شاهد هستیم عملاً آنچه شاهد آن هستیم نه رفتار بازیگران در مقابل حکومت که رفتار بازیگران مختلف در تعامل با یکدیگر است. پس عوامل سطح دو در این پژوهش عملاً محلی از اعراب نخواهند داشت.

اما شرایط مصر در دوره مورد مطالعه توجه به عوامل دیگری را نیز برای گنجاندن در نظام ترجیحات و محاسبه توان هر یک از بازیگران عرصه سیاسی‌اش متذکر می‌شود. عواملی که تاثیر آن‌ها بر قدرت بازیگران و ائتلاف‌های شکل گرفته (بازی‌ها) غیرقابل چشم‌پوشی است. این عوامل را می‌توان در دو دسته کلی (۱) اقتصاد (۲) نیروهای خارجی عنوان کرد.

وضعیت اقتصادی: در توصیف شرایط اقتصادی پژوهشگرانی چون سید عبدالامیر نبوی بر این نظرند که: مصر در سال‌های اخیر وضعیت اقتصادی نامناسبی داشته و تراز تجاری این کشور همواره منفی بوده است. اما آنچه باعث شده است رشد اقتصادی در زندگی عموم اثرگذار نباشد، فساد اقتصادی و ناکارآمدی بوروکراتیک دیرپا در این کشور است. به‌طور مشخص، حدود نیمی از اقتصاد مصر حالت زیرزمینی و غیرقانونی دارد و سالانه مبلغ ۶/۴ میلیارد دلار بابت فساد اقتصادی هدر می‌رود (نبوی، ۱۳۹۰). تولید ناخالص داخلی مصر در سال ۲۰۱۰، ۲۱۸۴۶۶ میلیارد دلار و سرانه تولید ناخالص داخلی آن ۶۳۵۴۴۴ دلار بوده است. سهم تولید ناخالص داخلی مصر از سطح جهانی در سال ۲۰۱۰ نیز ۶۷۷٪ درصد بوده است. (op. cit, 2010) از منظر شاخص توسعه انسانی برای مصر رقم ۶۵۹٪ ارائه شده است که آن کشور را حائز رتبه ۱۲۰ در میان ۱۷۸ کشور جهان می‌سازد. در این راستا به‌خصوص بر رکود اقتصادی سال‌های آخر حکومت مبارک، افزایش مواد غذایی، تورم و افزایش بیکاری در جهان عرب و از جمله در مصر تاکید می‌شود (al Sharekh, 2011). در چنین اقتصادی، آنچه مسلم است این‌که ارتش مصر در کلیه



شاخه‌ها و بخش‌های مهم اقتصادی کشور از تولید پاستا، مبلمان و تلویزیون گرفته تا استخراج نفت و اجرای پروژه‌های زیرساختی نقش و سهمی عمده دارد. به‌نحوی که میزان حضور نظامیان در اقتصاد مصر بین پنج تا شصت درصد برآورده شده است. بیمارستان‌های زیادی در مصر تحت مالکیت ارتش است و منابع و امکانات شاخه توریسم در دریای سرخ نیز در اختیار نظامیان قرار دارد و ارتش در بخش کشاورزی مصر نیز نقشی تعیین کننده و مهم ایفا می‌کند (فیروزآبادی، ۱۳۹۳).

نیروهای خارجی: در خصوص نقش و تاثیر نیروهای خارجی بر وقایع رخ داده طی این دوره (ژانویه ۲۰۱۱ - ژوئن ۲۰۱۳) می‌توان گفت در وحله اول بیشترین تاثیرپذیری و تاثیرگذاری را کشورهای عربی منطقه داشته‌اند. نظام‌های عربی‌ای که با سقوط رژیم زین‌العابدین بن علی دستپاچه و نگران شده بودند، با مشاهده تظاهرات اعتراض آمیز در دیگر کشورهای عربی و به خصوص اوضاع بحرانی مصر، به شدت نگران آینده شدند. آن‌ها خوب می‌دانستند که سقوط دولت مبارک، تأثیرات منطقه‌ای چشمگیری خواهد داشت؛ تأثیراتی که دامنه گسترده‌تری از تحولات پس از انقلاب تونس به دنبال خواهد داشت در نتیجه اکثر رژیم‌های عربی سکوت اختیار کرده و یا از رژیم مصر و تداوم حکمرانی مبارک حمایت کردند. در واقع این رژیم‌ها نگران به راه افتادن دومینوی تغییر خاورمیانه با شتاب بیشتری بودند؛ زیرا اگر تونس که کشوری حاشیه‌ای در جهان عرب به حساب می‌آید توانست چنین موجی را به راه بیندازد، سقوط مبارک با توجه به جایگاه مرکزی مصر در جهان عرب، تأثیرات به‌مراتب عمیق‌تری بر کشورهای عربی منطقه داشت (احمدیان، ۱۳۹۰).^۱

۱. در این میان اما تنها استثنا قطر بود که سیاست خارجی قطر، تحولات منطقه‌ای را به‌مثابه فرصت‌های تازه برای فعال شدن قلمداد کرده و با استفاده از اهرم‌های در اختیار خود، سعی در بهره گرفتن از آنها با حداکثر امکانات



در این میان اما تنها استثنا قطر بود که سیاست خارجی قطر، تحولات منطقه‌ای را به‌مثابه فرصت‌های تازه برای فعال شدن قلمداد کرده و با استفاده از اهرم‌های در اختیار خود، سعی در بهره‌گرفتن از آن‌ها با حداکثر امکانات داشته است (ابراهیمی، ۱۳۹۱).

اما مسئله مهم، ادامه حمایت‌های دولت‌های عربی از متحدین خود در شرایط پس‌انقلابی در مصر است. سعودی‌ها از افزایش نقش و تاثیرگذاری سلفی‌ها حمایت کرده و سعی کردند ضمن گسترش و تقویت این گرایش از آن به‌عنوان ابزاری مهم برای منافع و سیاست منطقه‌ای خود استفاده نمایند. به‌واسطه حمایت مالی عربستان سعودی شاخه‌ها یا شعبه‌های روستایی سلفی‌ها (در دو حزب النور و الاصلاح) موفق شدند با توزیع مقادیری کمک مالی و راه‌اندازی نهادهای مالی، آموزشی، فرهنگی و مذهبی بخش قابل توجهی از جمعیت فقیر مصر را بسیج نمایند (کریمی، ۱۳۹۳).

۲-۲-۶. تحلیل داده‌ها در مدل نظریه بازی‌ها

همان‌طور که گفته شد در رابطه با نظریه بازی‌ها ما به‌چند پارامتر احتیاج داریم:

(۱) بازیگرها

(۲) عمل‌ها: که در این پژوهش ائتلاف‌های صورت گرفته، همان عمل‌های انجام شده تعبیر می‌شوند؛ که در نهایت به‌صورت مجموعه‌ای از عمل‌ها^۱ برای بازیگرها در نظر گرفته می‌شود.

(۳) نظام ترجیحات:^۲ که می‌توان آن را مجموعه عوامل و یا فرض‌هایی دانست

داشته است (ابراهیمی، ۱۳۹۱).

1. Action profiles.
2. Pay Off.



که بر مبنای آن‌ها بازیگران و بازی انجام شده توسط آنان ارزش گذاری شده و امتیازبندی می‌شود.

لذا داده‌های ما زین پس این‌گونه خواهد بود:

(۱) بازیگران: { اخوان المسلمین، نیروهای سلفی، نیروهای سکولار-لیبرال،
 نظامیان } $A = [a, b, c, d]$

(۲) عمل یا اکشن: موردنظر در این پژوهش را، «ائتلاف کردن و یا ائتلاف نکردن» هر یک از بازیگران با سایر بازیگرها تشکیل می‌دهد. ائتلاف کردن را به اختصار Y به معنای اختصار (Yes) و ائتلاف نکردن را (No) انتخاب می‌کنیم.

(۳) نظام ترجیحات: بر مبنای نظریه کنش جمعی، میزان کنش جمعی یک گروه تابعی است از:

(۱) شدت و قوت سازمان: میزان هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش در میان اعضای آن

(۲) بسیج آن گروه: میزان منابعی که تحت کنترل جمعی آن قرار دارد.

(۳) منافع مشترک آن‌ها: مزیت‌ها و زیان‌هایی که ممکن است از تعامل با دیگر گروه‌ها به دست آید.

(۴) اقتصاد

(۵) نیروهای خارجی

لذا می‌توان این‌گونه ادامه داد که: بر مبنای ۴ بازیگر و بازی ائتلاف کردن یا ائتلاف نکردن، اکشن پروفایل‌های ممکن به این صورت خواهد بود:

$A1 = [a, b, c, d] =$ { اخوان، سلفیون، سکولارها، سلفیون، اخوان }

a= اخوان

b= سلفیون

c= نیروهای سکولار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



نظامیون = d

اکشن پروفایل $[Y, Y, N, N] = [Y, Y, N, N]$ = [نظامیان، سکولارها، سلفیون، اخوان] $[a, b, c, d] = A1 =$ به این معنا خواهد بود که سلفیون و اخوان با یکدیگر ائتلاف کرده‌اند^۱ و دو بازیگر دیگر یعنی نیروهای سکولار و نظامی‌ها به‌عنوان دو بازیگر فعال دیگر، در این بازی (ائتلاف و تلاش برای کسب قدرت) غیر فعال هستند. لذا سایر اکشن پروفایل‌ها را با همین اسلوب و با در نظر گرفتن همه احتمالات ممکن دیگر به این صورت خواهیم نوشت:

در مرحله اول دانستن این که مجموعاً در کل چه تعداد بازی خواهیم داشت لازم است. در پاسخ به این سوال می‌توان گفت: از آنجایی که ما چهار بازیگر داریم که هرکدام فقط حق انتخاب دو بازی ائتلاف کردن و ائتلاف نکردن را دارند،

پس در کل ۱۶ بازی را خواهیم داشت. $2 * 2 * 2 * 2 = 16$

اما از آنجایی که چهار بازی ما به‌نحوی تکراری خواهند شد (از مجموع ۱۶ بازی صورت گرفته) در نهایت تعداد بازی‌های ما ۱۲ بازی به‌شرح زیر محاسبه می‌شوند؛ به‌نحوی که تمام حالت‌های ممکن را در بر گرفته است.

A1=[Y, Y, N, N]	ائتلاف اخوان المسلمین / نیروهای سلفی
A2=[N, N, Y, Y]	ائتلاف نیروهای نظامی / نیروهای لیبرال - سکولار
A3=[N, Y, Y, Y]	ائتلاف نیروهای سلفی / سکولار - لیبرال / نظامی‌ها
A4=[Y, N, Y, Y]	ائتلاف اخوان المسلمین / ارتس / نیروهای لیبرال - سکولار
A5=[Y, N, N, Y]	ائتلاف اخوان المسلمین / ارتش
A6=[N, Y, N, Y]	ائتلاف نیروهای سلفی / نیروهای نظامی
A7=[Y, N, Y, N]	ائتلاف اخوان المسلمین / نیروهای لیبرال - سکولار
A8=[N, Y, Y, N]	ائتلاف نیروهای سلفی / نیروهای لیبرال - سکولار
A9=[Y, Y, N, Y]	ائتلاف اخوان المسلمین / نیروهای سلفی / نیروی نظامی
A10=[Y, Y, Y, N]	ائتلاف اخوان المسلمین / نیروهای سلفی / نیروهای لیبرال - سکولار
A11=[Y, Y, Y, Y]	ائتلاف اخوان المسلمین / نیروهای سلفی / نیروهای لیبرال - سکولار / نیروهای نظامی

۱. Y به معنای Yes در پاسخ به ائتلاف کردن و N به معنای No در ائتلاف کردن



حال بر مبنای این اکشن پروفایل‌ها که هر کدام نشان دهنده برگزیدن یک استراتژی از سوی هر کدام از بازیگران است به محاسبه امتیازی که هر کدام یک از بازیگران از بازی صورت گرفته، می‌پردازیم.

نظام ترجیحات:

مبنای امتیازدهی، نظام ترجیحات یعنی: (۱) شدت و قوت سازمان (۲) بسیج، (۳) منافع مشترک بازیگران ائتلاف کننده هر یک از بازیگران به‌علاوه (۴) نقش قدرت‌های خارجی و (۵) اقتصاد است.

در این میان، دو عامل اول در سطح نگاه درون سازمانی و سه عامل دیگر با توجه به شرایط حاکم بر عرصه سیاسی مصر قابل ارزیابی است. ارزیابی توان هر یک از بازیگران عرصه سیاسی مصر به‌صورت جدول زیر فرض گرفته شده‌اند. که لازم به‌ذکر است محاسبه این توان در هر یک از بازیگران با توجه به پیشینه رفتاری هر یک از گروه‌ها در شرایط موردنظر در بازه زمانی ذکر شده در مصر انجام یافته است.

جدول ۱. محاسبه امتیاز نیروهای سیاسی از نگاه درون سازمانی

مجموع	شدت و قوت سازمانی	بسیج
۲+	*	* (اخوان المسلمین (پرغیرت‌ها)
۱+	*	- (سلفی‌ها (خسیسان)
۱+	-	* (نیروهای سکولار - لیبرال (مدعیان عادی)
۲+	*	* (ارتش یا نیروهای نظامی (فرصت طلب‌ها)

پیش فرض‌های محاسبه امتیازها

الف - تنها نیروهایی که دارای منافع مشترک با یکدیگراند، نیروهای سلفی و اخوان المسلمین‌اند. می‌توان گفت: هیچ مرز روشنی میان سلفی‌ها و اعضای



اخوان المسلمین مصر وجود ندارد. عقاید مهم هر دو گروه یکسان است. اخوان، زاده همان موج اصلاحی است که سلفی‌گری مدرن را به وجود آورده است (شوشتری زاده، ۱۳۹۱).

ب - در محاسبه امتیازی بهره نیروها از فاکتور اقتصاد این پیش فرض را داریم که عرصه اقتصادی مصر در انحصار ارتش است.

ج - در بخش حمایت دولت‌های خارجی، نیروهای سلفی بهره‌مند از کمک‌های اقتصادی کشورهایی چون عربستان می‌باشد. مضافاً این که به واسطه وجود منافع مشترک میان نیروهای سلفی و اخوان، می‌توانیم این ادعا را داشته باشیم که حمایت مالی از نیروهای سلفی مصر، در نهایت برای اخوان المسلمین نیز مزیت دارد. کما این که اولین سفر خارجی محمد مرسی پس از ریاست جمهوری به عربستان صورت گرفت.

حال با این تفاسیر، توضیح بازی اول (A1) یعنی ائتلاف اخوان المسلمین و سلفی‌ها با یکدیگر و محاسبه بهره‌ای که هریک از بازیگران چهارگانه از این ائتلاف می‌برند، این گونه محاسبه می‌شود:

اخوان المسلمین از میان پنج فاکتور بیان شده، در پارامترهای بسیج، شدت و قوت، منافع مشترک ۳+ را کسب می‌کند و با توجه به پیش فرض گفته شده، اخوان در ائتلاف خود با نیروهای سلفی از مزیت حمایت خارجی نیز بهره‌مند خواهد شد؛ پس امتیاز نهایی آن از این بازی ۴+ خواهد بود. نیروهای سلفی با احتساب امتیاز ۱+ (رجوع به جدول شماره ۱) و بهره‌مندی از گزینه‌های حمایت خارجی و منافع مشترک (با اخوان المسلمین) جمعاً ۳+ امتیاز را در بازی خود (ائتلاف با اخوان) به دست می‌آورند.

و اما دو بازیگر دیگر در پروفایل A1: نیروهای سکولار با احتساب امتیاز ۱+ در سطح درون سازمانی (رجوع به جدول شماره ۱) و عدم امکان بهره‌برداری از سه پارامتر دیگر یعنی منافع مشترک، حمایت خارجی و شراکت در اقتصاد،



امتیازش همان ۱+ باقی می ماند و ارتش نیز با احتساب امتیاز درون سازمانی و بهره‌مندی از احاطه اقتصادی خود (جدول شماره ۱)، با توجه به این که ائتلاف صورت گرفته نه منافع مشترکی را برای او در پی دارد و نه حمایت خارجی‌ای را، امتیازی که از این ائتلاف حاصلش می شود منوط به ۳+ می شود. لذا محاسبه امتیازهای ما که به صورت تابع تعریف می شوند با توجه به توضیحات گفته شده به این صورت خواهد شد:

$$UA1 = [Y, Y, N, N] = [۳, ۱, ۳, ۴]$$



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۲. محاسبه امتیاز بازی (اتلاف)های صورت گرفته

نظامیان، سکولارها، سلفیون، اخوان = A	اخوان المسلمین				نیروهای سلفی				نیروهای سکولار - لیبرال				ارتش			
	قوت سازمانی	بسیج	منافع مشترک	حمايت خارجی	اقتصاد	قوت سازماني	بسیج	منافع مشترک	حمايت خارجی	اقتصاد	قوت سازماني	بسیج	منافع مشترک	حمايت خارجی	اقتصاد	
UA1=[Y,Y,N,N]= [۳، ۱، ۳، ۴]	•	•	•	•		•		•	•						•	
UA2=[N,N,Y,Y]= [۳، ۱، ۲، ۲]	•	•				•					•	•			•	
UA3=[N,Y,Y,Y]= [۳، ۱، ۲، ۳]	•	•	•			•					•	•			•	
UA4=[Y,N,Y,Y]= [۳، ۱، ۳، ۲]	•	•				•		•	•		•	•			•	
UA5=[Y,N,N,Y]= [۳، ۱، ۳، ۲]	•	•				•		•	•		•	•			•	
UA6=[N,Y,N,Y]= [۳، ۱، ۳، ۳]	•	•	•			•		•	•		•	•			•	
UA7=[Y,N,Y,N]=[۳، ۱، ۳، ۲]	•	•				•		•	•		•	•			•	
UA8=[N,Y,Y,N]= [۳، ۱، ۲، ۳]	•	•	•			•					•	•			•	
UA9=[Y,Y,N,Y]= [۳، ۱، ۳، ۴]	•	•	•	•		•					•	•			•	
UA10=[Y,Y,Y,N]= [۳، ۱، ۳، ۴]	•	•	•	•		•		•	•		•	•			•	
UA11=[Y,Y,Y,Y]= [۳، ۱، ۳، ۴]	•	•	•	•		•		•	•		•	•			•	
UA12=[N,N,N,N]=[۳، ۱، ۱، ۲]	•	•				•					•	•			•	

حال در مجموع و با در نظر گرفتن فاکتورهای ۵ گانه بالا می‌توانیم بگوئیم، امتیازهای بازیگران ما در ائتلاف‌های انجام یافته‌شان این‌گونه خواهد بود. برای سهولت فهم و چگونگی محاسبات امتیاز هر یک از بازیگران در هر بازی (ائتلاف) در جدول شماره دو به صورت کاملا مجزا امتیازها ثبت و در هر ردیف جمع شده است.^۱

$$UA2=[N,N,Y,Y]=[۳, ۱, ۲, ۲]$$

$$UA3=[N,Y,Y,Y]=[۳, ۱, ۲, ۳]$$

$$UA4=[Y,N,Y,Y]=[۳, ۱, ۳, ۲]$$

$$UA5=[Y,N,N,Y]=[۳, ۱, ۳, ۲]$$

$$UA6=[N,Y,N,Y]=[۳, ۱, ۳, ۳]$$

$$UA7=[Y,N,Y,N]=[۳, ۱, ۳, ۲]$$

$$UA8=[N,Y,Y,N]=[۳, ۱, ۲, ۳]$$

$$UA9=[Y,Y,N,Y]=[۳, ۱, ۳, ۴]$$

$$UA10=[Y,Y,Y,N]=[۳, ۱, ۳, ۴]$$

$$UA11=[Y,Y,Y,Y]=[۳, ۱, ۳, ۴]$$

$$UA12=[N,N,N,N]=[۳, ۱, ۱, ۲]$$

۳-۲-۶. تعادل نش

همان‌طور که اشاره شد نظریه تعادل نش در نظریه بازی‌ها به صورت اختصار به این‌گونه است: نقطه تعادل نش نقطه‌ای است که در آن بازیگر انگیزه‌ای برای تغییر ندارد. این نقطه نقطه‌ای است که نسبت به سایر بازی‌ها، بازی انجام شده از ثبات بیشتری برخوردار است و تمایل به حفظ آن دارد. روش محاسبه آن به

۱. با رجوع به هر ائتلاف و علامت‌گذاری‌های مشخص شده در هر ردیف مربوط به ائتلاف صورت گرفته، چگونگی محاسبه امتیازها به صورت منفک و جداگانه نشان داده شده است.



این صورت است که اگر هر بازیگری با فرض ثابت بودن بازی سایر بازیگران، بازی خود را تغییر دهد، سود او افزایش نیابد. این همان نقطه‌ای است که احتمال به‌وقوع پیوستن آن نسبت به سایر بازی‌ها بیشتر است و علاوه بر آن این نقطه دارای بیشترین ثبات نسبت به سایر بازی‌هاست. نش اعتقاد دارد این نقاط تعادلی نش، نقاطی هستند که در صورت وقوع دارای ثبات هستند.

حال اگر بخواهیم این قاعده را در مورد بازیگران و بازی‌های مورد نظر این پژوهش مورد بررسی قرار دهیم به این صورت قابل توضیح خواهد بود:

که اگر فرضاً اخوان المسلمین در یک بازی که استراتژی ائتلاف کردن را برگزیده است، با فرض تغییر دادن بازی خود، در عین ثابت بودن بازی سایر بازیگران (یعنی این بار ائتلاف نکردن را برگزیند) محاسبه امتیازی که از این تغییر بازی عایدش خواهد شد به این صورت خواهد بود:

$$UA1 = [Y, Y, N, N] = [3, 1, 3, 4] \longrightarrow A^1 = \{N, Y, N, N\}$$

که در این حالت به واسطه تبدیل شدن بازی به یک بازی انفرادی (هیچ‌گونه ائتلافی در A^1 مشاهده نمی‌شود) از گردونه محاسبات خارج می‌شود؛ چرا که ائتلاف یگانه معنا ندارد.

در بازی دوم، چنان‌چه مشاهده می‌شود، با تغییر استراتژی بازیگر اول، اکشن پروفایل ما به صورت A^2 در می‌آید. با توجه به آنکه محاسبه اکشن پروفایل جدید، در محاسبات قبلی موجود است (ارجاع به جدول شماره ۲) مشاهده می‌شود که امتیاز حاصل از تغییر استراتژی برای بازیگر اول، هیچ تغییری نیافته است. پس می‌توان نتیجه گرفت که این اکشن پروفایل می‌تواند یکی از نقاط تعادل نش ما محسوب شود. اما آن‌چه که در این میان می‌بایست به آن توجه شود ذکر این مسئله است که صدق این گزاره می‌بایست در بازی سایر بازیگران در این اکشن پروفایل مورد سنجش قرار بگیرد. لذا همین روند را برای سایر بازیگران در این اکشن پروفایل مورد بررسی قرار می‌دهیم. یعنی



به ترتیب، هر کدام از بازیگران ما در این اکشن پروفایل می‌بایست استراتژی خود را با فرض ثابت ماندن استراتژی سایر بازیگران تغییر دهد. این روند در محاسبات زیر به کمک رنگ بنفش برای خوانایی بیشتر نشان‌گذاری شده است. البته لازم به ذکر است که همان‌طور که مشاهده می‌کنید، براساس هر تغییر استراتژی بازیگر ما، اکشن پروفایل جدید ایجاد می‌شود. اما برای محاسبه امتیازها، می‌توان به جدول شماره ۲ که در ابتدا به محاسبه تمام بازی‌ها پرداخته شده است؛ رجوع کرد.

$$UA2=[N,N,Y,Y]=\{۳,۱,۲,۲\} \longrightarrow UA^2=\{Y,N,Y,Y\}=\{۳,۱,۳,۲\}$$

$$\{N,Y,Y,Y\}=\{۳,۱,۲,۳\}$$

$$\{N,N,N,Y\}=-$$

$$\{N,N,Y,N\}=-$$

$$UA3=[N,Y,Y,Y]=\{۳,۱,۲,۳\} \longrightarrow A^3=\{Y,Y,Y,Y\}=\{۳,۱,۳,۴\}$$

در بازی سوم چنان‌چه مشاهده می‌شود، با تغییر بازی بازیگر اول، امتیاز آن نیز از این تغییر استراتژی تغییر کرده و افزایش می‌یابد. پس A^3 نمی‌تواند نقطه تعادل نش ما محاسبه شود.

محاسبه امتیاز سایر اکشن پروفایل‌های ما بر اساس این قاعده به صورت زیر خواهد بود. آن‌چه که قابل ذکر است، آن است که در بازی‌هایی که تعادل نش در تغییر استراتژی بازیگر اول به دست می‌آید، ما ملزم به آزمودن آن در بازیگران باقیمانده در همان اکشن پروفایل هستیم.

$$UA4=[Y,N,Y,Y]=\{۳,۱,۳,۲\} \longrightarrow UA^4=\{N,N,Y,Y\}=\{۳,۱,۲,۲\}$$

$$\{Y,Y,Y,Y\}=\{۳,۱,۳,۴\}$$

$$\{Y,N,N,Y\}=\{۳,۱,۳,۴\}$$

$$\{Y,N,Y,N\}=\{۳,۱,۳,۲\}$$

بازی‌های A^7, A^5 و A^{12} به خاطر آنکه به دلیل تغییر استراتژی معنای خود را از دست می‌دهند (ائتلاف یگانه معنایی ندارد. بدین معنا که پس از تغییر



بازی صورت گرفته توسط یک بازیگر، در هر اکشن پروفایلی عملاً فقط یک بازیگر در ائتلاف است و این مسئله در عالم واقع معنایی ندارد) لذا عملاً از چرخه محاسبه امتیازها خارج می‌شوند.

$UA5=[Y,N,N,Y]=[۳, ۱, ۳, ۲]$	\longrightarrow	$UA'5=\{N,N,N,Y\}=-$
$UA6=[N,Y,N,Y]=[۳, ۱, ۳, ۳]$	\longrightarrow	$UA'6=\{Y,Y,N,Y\}=\{۳, ۱, ۳, ۴\}$
$UA7=[Y,N,Y,N]=[۳, ۱, ۳, ۲]$	\longrightarrow	$UA'7=\{N,N,Y,N\}=-$
$UA8=[N,Y,Y,N]=[۳, ۱, ۲, ۳]$	\longrightarrow	$UA'8=\{Y,Y,Y,N\}=\{۳, ۱, ۳, ۴\}$
$UA9=[Y,Y,N,Y]=[۳, ۱, ۳, ۴]$	\longrightarrow	$UA'9=\{N,Y,N,Y\}=\{۳, ۱, ۳, ۳\}$ $\{Y,N,N,Y\}=\{۳, ۱, ۳, ۲\}$ $\{Y,Y,Y,Y\}=\{۳, ۱, ۳, ۴\}$ $\{Y,Y,N,N\}=\{۳, ۱, ۳, ۴\}$
$UA10=[Y,Y,Y,N]=[۳, ۱, ۳, ۴]$	\longrightarrow	$UA'10=\{N,Y,Y,N\}=\{۳, ۱, ۲, ۳\}$ $\{Y,N,Y,N\}=\{۳, ۱, ۳, ۲\}$ $\{Y,Y,N,Y\}=\{۳, ۱, ۳, ۴\}$ $\{Y,Y,Y,Y\}=\{۳, ۱, ۳, ۴\}$
$UA11=[Y,Y,Y,Y]=[۳, ۱, ۳, ۴]$	\longrightarrow	$UA'11=\{N,Y,Y,Y\}=\{۴, ۲, ۱, ۳\}$ $\{Y,N,Y,Y\}=\{۳, ۱, ۳, ۲\}$ $\{Y,Y,N,Y\}=\{۳, ۱, ۳, ۴\}$ $\{Y,Y,Y,N\}=\{۳, ۱, ۳, ۴\}$
$UA12=[N,N,N,N]=[۳, ۱, ۱, ۲]$	\longrightarrow	$UA'12=\{Y,N,N,N\}=-$

با توجه به محاسبات انجام یافته می‌توان گفت، نقاط تعادل نش بازی‌های صورت گرفته این‌ها هستند:

$A2=[N,N,Y,Y]$	\longrightarrow	ائتلاف نیروهای نظامی / نیروهای سکولار- لیبرال
$A4=[Y,N,Y,Y]$	\longrightarrow	ائتلاف نیروهای نظامی / نیروهای سکولار- لیبرال / اخوان المسلمین
$A9=[Y,Y,N,Y]$	\longrightarrow	ائتلاف اخوان المسلمین / نیروهای نظامی / سلفی‌ها
$A10=[Y,Y,Y,N]$	\longrightarrow	ائتلاف اخوان المسلمین / سلفی‌ها / نیروهای سکولار- لیبرال
$A11=[Y,Y,Y,Y]$	\longrightarrow	ائتلاف نیروهای چهارگانه (ارتش / اخوان / سکولار- لیبرال / سلفی)

۷. نتیجه

هدف این پژوهش بررسی چرایی وقوع رخداد‌های مصر در دوره موسوم به بهار عربی در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۱، یعنی به پیروزی رسیدن انقلاب تا ژوئن ۲۰۱۳، سرنگونی حکومت اسلام‌گرای محمد مرسی است. فرض این پژوهش بر این قرار دارد که رفتار بی‌ثبات و شکننده مردم مصر و حضور مستمر آن‌ها در خیابان‌ها از فردای پیروزی نشئت گرفته از ائتلاف‌های سست و شکننده بازیگران اصلی عرصه سیاسی مصر می‌باشد و مادامی که ائتلاف‌های صورت پذیرفته در سطوح بالایی جامعه به ثبات نرسد، هم‌چنان شاهد عدم ثبات در سطح جامعه در تمامی سطوح خواهیم بود.

نظریه‌های مورد استفاده قرار گرفته در این پژوهش با رویکردی جزنگر و توجه به تمامی عناصر تاثیرگذار در تحولات انتخاب شده است. نظریه کنش جمعی چارلز تیلی به عنوان نظریه مینا و نظریه بازی‌ها به عنوان ابزار مدل‌سازی در تبیین هرچه بیشتر عناصر تاثیرگذار استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که:

(۱) با توجه به قانون تعادل نش، نقطه‌ای که در آن بازیگران میل کم‌تری به تغییر دارند و از ثبات بیشتری برخوردار است؛ مشاهده می‌شود، نقاط $A2, A4, A9, A10, A11$ مناطقی هستند که با تغییر بازی، امتیاز آن‌ها تغییری نکرده است. این بدان معناست که بر حسب تعریف نقطه تعادل نش، این ائتلاف‌ها، ائتلاف‌هایی هستند که در صورت وقوع دارای ثبات بیشتری نسبت به سایر ائتلاف‌های شکل گرفته (سایر بازی‌ها) می‌باشند.

$A2=[N,N,Y,Y]$	→	ائتلاف نیروهای نظامی / نیروهای سکولار - لیبرال
$A4=[Y,N,Y,Y]$	→	ائتلاف نیروهای نظامی / نیروهای سکولار - لیبرال / اخوان المسلمین
$A9=[Y,Y,N,Y]$	→	ائتلاف اخوان المسلمین / نیروهای نظامی / سلفی‌ها
$A10=[Y,Y,Y,N]$	→	ائتلاف اخوان المسلمین / سلفی‌ها / نیروهای سکولار - لیبرال
$A11=[Y,Y,Y,Y]$	→	ائتلاف نیروهای چهارگانه (ارتش / اخوان / سکولار - لیبرال / سلفی)

بررسی بی‌ثباتی سیاسی و ائتلاف‌های ۲۰۱

۲) همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، حصول شرایط ثبات در عرصه سیاسی مصر مستلزم تفوق حداقل سه گروه از بازیگران اصلی عرصه سیاسی در مصر می‌باشد و مادامی که این تفوق از سه بازیگر به‌تعداد کم‌تر برسد، دوره‌ای از هرج‌ومرج و بی‌ثباتی را در عرصه سیاسی مصر شاهد خواهیم بود.

۲) در میان نتایج حاصل از بررسی بازی‌های صورت گرفته، یکی از استثنائاتی که در این میان حاصل شد به این مسئله اشاره می‌کند که چنان‌چه نیروهای نظامی و سکولار به‌ائتلاف با یکدیگر پردازند، شرایط سیاسی به‌مرحله ثبات نزدیک می‌شود؛ که البته می‌توان این نتیجه را به‌دوره بعد از کودتا، حدفواصل سال‌های ۲۰۱۳ تا اکنون قابل اطلاق دانست. به‌ثمر نشستن ائتلاف آشکار نیروهای سکولار - لیبرال در قالب جنبش ترمذ با نیروهای نظامی در روز ۱۳ ژوئن در این چارچوب قابل ارزیابی است.

۳) یافته‌های پژوهش منطبق بر نظریه بازی‌ها و نظریه تعادل نش متذکر این نکته می‌شود که وزن ثبات حاصل از ائتلاف‌های سه‌گانه اخوان - نیروهای سکولار - نظامیون، نیروهای سلفی - اخوان - نظامیان و یا نیروهای سکولار - اخوان - سلفی به‌یک میزان بوده که این مسئله نشان از آن دارد که ثبات در عرصه سیاسی مصر بیشتر از نوع بازیگران دخیل در هر ائتلاف، وابسته به‌تعداد نیروهای دخیل در ائتلاف است (نیازمند تفوق حداقل سه گروه اصلی است).

پرتال جامع علوم انسانی



منابع

الف) فارسی

- ابراهیمی، نبی الله (۱۳۹۱)، «اخوانی گرایی و سیاست خارجی قطر در قبال انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره اول
- احمدیان، حسن (۱۳۹۰)، «مصر، گام به گام به سوی انقلاب»، فصلنامه پژوهشکده تحقیقات راهبردی، اردیبهشت ماه
- اسنایدر، ریچارد (۱۳۷۸)، «نظریه بازی‌ها و تحلیل رفتار سیاسی»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۵-۱۴۶.
- اولوتاش، افق (۲۰۱۳)، هل ما حدث فی مصر رده عن الديموقراطيه؟ فصلیه متخصصه محکمه؛ ربیع - صیف - رقم ۱۴۵.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۲)، تحولات عربی، ایران و خاورمیانه، نشر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- برزگر، کیهان؛ عمویی، حامد (۱۳۹۲)، جایگاه ارتش در ساختار سیاسی-حکومتی مصر؛ تحولات عربی، ایران و خاورمیانه، نشر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۱)، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها، انتشارات سمت.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۸)، از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی‌زاد، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حسینی گلی، اسماعیل (۱۳۸۵)، کتاب خاورمیانه، ویژه اصلاحات در خاورمیانه؛ مقاله اصلاحات در مصر. انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- دین پرست، فائز (۱۳۹۱)، «دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه؛ تحلیل موانع توسعه اقتصاد ملی ایران»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره چهارم، شماره ۲.



بررسی بی‌ثباتی سیاسی و ائتلاف‌های ۲۰۳

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۱)، روز شمار تحولات داخلی مصر از وداع مبارک تا

رفراندوم، در قاهره چه گذشت؟ قابل دسترسی در: <http://yon.ir/qZdB2>

زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۸۶)، نظریه در مورد جنبش‌های اجتماعی، سازمان انتشارات، هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ویژه علوم انسانی و معارف اسلامی.

سلاجقه، سنجر (۱۳۸۹)، «پژوهش تحلیلی در زمینه مدیریت رفتار سیاسی در سازمان‌ها»، عصر مدیریت، سال چهارم، شماره چهاردهم.

سلامی، لادن (۱۳۹۲)، مصر، کودتا در انقلاب، بی.بی.سی فارسی، قابل دسترسی در: yon.ir/eHr5j

سمتی، محمدهادی (۱۳۷۵)، «نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی ایران»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۵.

شوشتری زاده، الهام (۱۳۹۱)، «سلفی‌ها و صوفی‌ها در مصر، بیداری اسلامی»، ویژه‌نامه مطالعات موردی ۲؛ موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

صباغیان، علی (۱۳۸۶)، ائتلاف چیست؟ همشهری آنلاین، قابل دسترسی در: yon.ir/Qijh2

عبداله، عبدالمطلب (۱۳۸۸)، «سیری در نظریه‌های رفتار رای‌دهی»، فصلنامه خط اول، رهیافت انقلاب اسلامی. سال سوم - شماره ۸.

عوض، محسن (۱۳۹۰)، گذار به دموکراسی در سرزمین‌های عربی میان اصلاحات تدریجی و عمل انقلابی، ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

فلاح‌زاده، محمدهادی (۱۳۸۴)، آشنایی با کشورهای اسلامی، جمهوری عربی مصر، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ دوم.



قادری، حاتم (۱۳۸۷)، پراکسیس (تعاطی)، اندیشه و فعل سیاسی در خاورمیانه، نشر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

کریمی، غلامرضا (۱۳۸۲)، «جامعه‌شناسی رفتار سیاسی»، مجله زمانه، شماره ۱۳. کرمی، کامران (۱۳۹۳)، سلفی‌گری در خاورمیانه عربی، انتشارات مرکز چاپ نشر شهر.

منسفیلد، پیتز (۱۳۸۸)، تاریخ خاورمیانه، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، انتشارات علمی و فرهنگی.

محمودیان، محمود (۱۳۹۱)، «جنبش اخوان المسلمین و آینده سیاست خارجی مصر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره اول.

خبرگزاری مهر (۱۳۹۱)، معرفی احزاب و ائتلاف‌های انتخاباتی مصر. نبوی، عبدالامیر (۱۳۹۰)، «خیزش مردم مصر؛ تاکتیک‌ها و ابزارها»، فصلنامه جهان اسلام، شماره ۴۶.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۵۱)، جنبش‌های ملی مصر، انتشارات شرکت سهامی انتشار.

واعظی، محمود (۱۳۹۳)، انقلاب در خاورمیانه، اداره نشر وزارت امور خارجه.

وزهان، طه (۲۰۱۳)، کفاح من اجل ال‌دیموقراطیه، رویه ترکیه، ربیع.

ج) انگلیسی

al Sharekh, Alanoud (2011), Reform and Rebirth in Middle East. *Survival*, vol. 53, no. 2

Amal A. Kandeel (2011), Egypt at Crossroads. *Middle East Policy Council*

al-Anani, Khalil (2016), *Inside the Muslim Brother Hood, religion, identity and politics* oxford university press

Bassiony& Schaefer john (2011), *Political participation in cairo after the January 2011 revolution*; Anthropology495: senior seminar, cairo cultures. February- june

Bueno De Mesquita, Bruce and Smith (2011), How Tyrants Endure, Alastair. New York Times, 10 June: www. nytimes. com/2011/06/10/opinion/10 De Mesquita. html.



- Barckman, Harold (2011), *STORM WARNINGS: THE MUSLIM BROTHERHOOD AND EGYPT'S FUTURE*. A Simon Wiesenthal Center Report, December. accessible at: www.wiesenthal.com
- El-Bendary, Mohamed (2011), *The egyption press and coverage of local and interational events*. Laham, the united states: Algora publishing.
- El Fegiery, Moataz (2016), *Islamic law and Huma rights, the muslim brotherhood Egypt*. Cambridge scholars Publishing
- Giannetti, Daniela& Beoit, Kenneth (2009), *Intra-party politics and colition governments*. Routledge/ECPR studies in European Political Science
- H. Riker, William (1962), *The theory of political science*. Yale University press.
- J. BROWN (2016), Did sisi save Egypt? *Foreign Affairs*, January 25.
- Milton-Edward, Beverley (2011), *Contemporat Politics in the Middl e East*. Polity Press
- Robertson, Jordan (2011), *The day part of Internet died: Egypt goes dark*. The Washigton Post. <http://www.Washington.times.com/news/2011/jan/28/day-part-internet-died-egypt-goes-dark/>.
- Salem, Paul (2010), The Arab state, assisting Obstructing Development. *The Carnegie Papers*, No. 21, April.
- Timeline: Egypt's revolution, (14Feb2011) in: www.ikhwanonline.com
- winer. Myron (1971), *political participation in crises and sequences in political development*, Princeton: Princeton u. p.
- Al-Aswany (2011), *On The satate of Egypt: The Issue that caused the Revolution*. cairo; The American University in Cairo Press
- Egypt's Economy in the Transition period; Chatham House Egypt Dialogue Workshop: Egypt in Transition, 28september 2011. Available at: <http://www.chathamhouse.org/publications/papers/view/180929> [last access 4 Jun2012]
- G. Amin (2011), *Egypt in The Era of Hosni Mubarak ,1981-2011*. Cairo: American University Prss.
- Goldston, a (2011), *Understanding the Revolution of 2011: Weakness and Resiliece in Middle Eastern Autocracies*; In: Council on Foreign Relation.
- S, Amin (2011), *An Arab Springtime*. *Monthly Review*, [online] 2Jun Available at: <http://monthlyreview.org/commentary/2011-a-arab-springtime> [last accessed 4 June 2012]